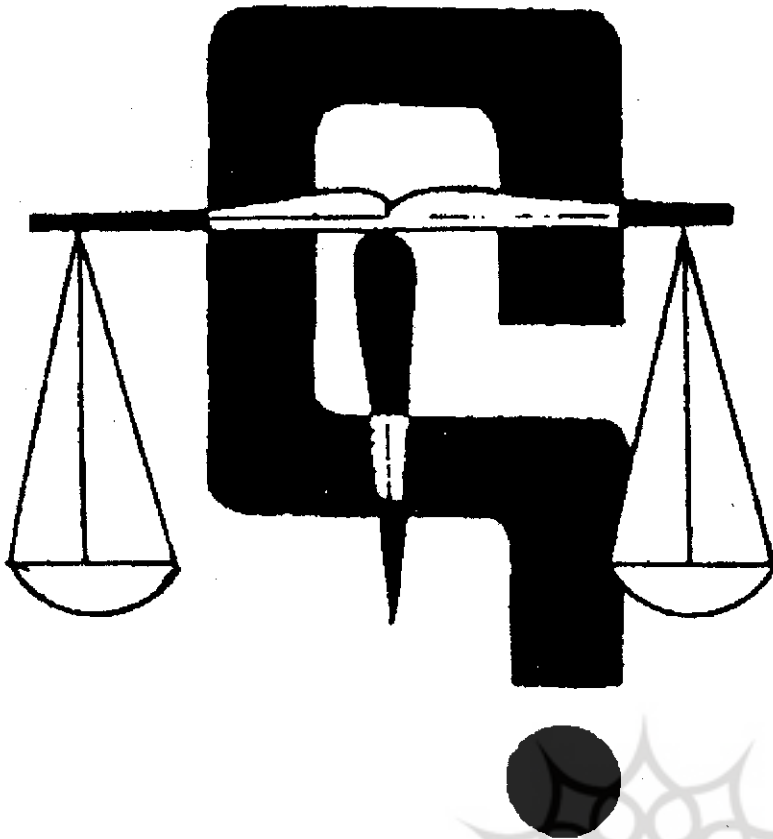


# استعلامات قضائی و نظریات مشورتی اداره حقوقی



حقوق بانک ملک را از رهن خارج و پس از به مزایده گذاشتن از محل فروش ملک طلب خود و مبلغی را که بابت طلب ملک واریز نموده است، پرداخت نماید؟

پاسخ:

با توجه به مفاد و ملاک ماده ۲۶۷ قانون مدنی در صورتی که پرداخت حق مرتهن با اجازه دادگاه باشد. محکوم له پس از انجام مزایده از محل فروش ملک طلب خود و مبلغی را که بابت طلب بانک واریز نموده می تواند استیفا نماید.

\*\*\*\*\*

۷۵/۸/۱۳

شماره نظریه ۷/۲۸۹۰

سؤال:

آیا همسر مقتول می تواند بابت مهریه خود، دیه قتل همسرش را که به حساب سپرده واریز گردیده است توقیف و وصول نماید؟

تقاضای تجدیدنظر خواهی می نماید نظر به اینکه با توجه به عدم قطعیت دادنامه پرونده به اجرای احکام ارسال نمی شود، و از طرفی دادگاه خود را فارغ از رسیدگی می داند در صورت توقف اجرای حکم به عنوان مثال آزادی متهم از زندان با چه مرجعی است؟

پاسخ:

اتخاذ تصمیم قضائی در مورد پرونده کیفری با مقام قضائی است که پرونده در دادگاه مذکور قرار دارد.

\*\*\*\*\*

۷۵/۸/۱۳

شماره نظریه ۷/۲۸۹۰

سؤال:

چنانچه ملک غیر منقولی در رهن بانک باشد و شخص ثالثی نیز مازاد همان ملک را با صدور اجرائیه توقیف نماید. در این صورت آیا محکوم له می تواند با پرداخت

۷۵/۸/۱۳

شماره نظریه ۷/۲۸۹۰

سؤال:

در مواردی که از طرف اولیای دم می بایستی دیه فاضله به قاتل پرداخت گردد. انتخاب نوع دیه با کیست؟

پاسخ:

مستفاد از مقررات قانون مجازات اسلامی، در خصوص دیات آن است که انتخاب نوع دیه با کسی است که بایستی آن را پرداخت نماید. در مواردی که از طرف اولیای دم می بایستی فاضله دیه به قاتل پرداخت گردد انتخاب نوع دیه نیز با خود آنان می باشد.

\*\*\*\*\*

۷۵/۸/۱۳

شماره نظریه ۷/۲۸۹۰

سؤال:

در مواردی که ظرف مهلت قانونی محکوم نسبت به دادنامه صادره اعتراض و

پاسخ:

با عنایت به اینکه دیه مقتول در حکم ترکه اوست و با التفات به اینکه دیون میت از ترکه پرداخت می شود. و مهر هم دین متوفی است. توقیف دیه ای که در صندوق دادگستری سپرده شده و استیفاء مهر از آن بلاشکال است.

\*\*\*\*\*

۷۸/۸/۱۳

شماره نظریه ۷/۲۸۹۰

سؤال:

آیا امتیاز آب و برق و گاز جزء مبیع محسوب می شود اگرچه در بیع نامه قید نشده باشد یا جزء مبیع نیست و باید در بیع نامه قید شده باشد؟

پاسخ:

نظر به این که امتیاز آب و برق و گاز به پلاک ثبتی تعلق گرفته عرفاً جزء آن محسوب

می گردد و با عنایت به ماده ۳۵۶ قانون مدنی پاسخ این سؤال مثبت است.

۷۸/۸/۱۳

نظریه شماره ۷/۲۸۹۰

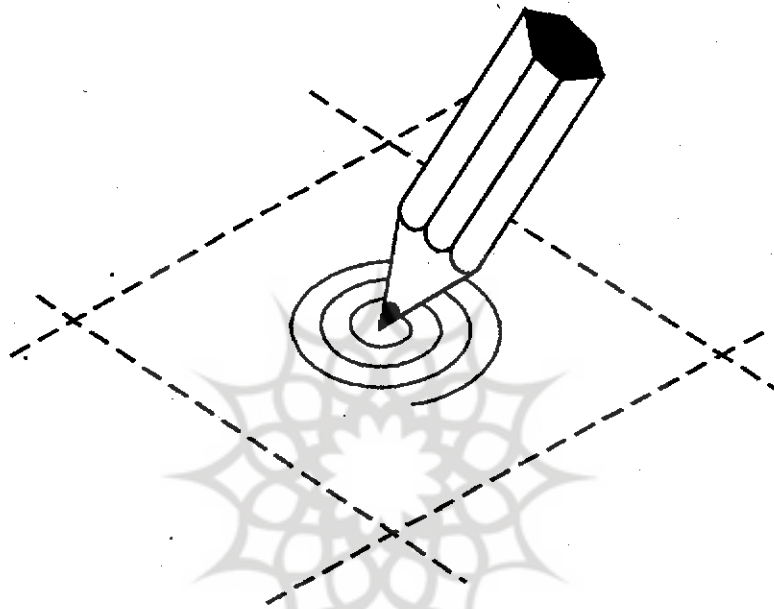
سؤال:

نظر به اینکه دیه مثله کردن میت به وارث تعلق نمی گیرد. بلکه صرف خیرات و مبرات می گردد. آیا در صورت عدم تأدیه از ناحیه محکوم با توجه به عدم وجود شاکی خصوصی می توان محکوم را تا حین ادای حقوق میت بازداشت کرد؟

پاسخ:

بازداشت کسی که محکوم به پرداخت دیه جنایت بر میت شده است مشمول

قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی است. نهایتاً این بازداشت باید به درخواست ولی فقیه یا کسی که از طرف او ماذون است و در تشکیلات فعلی رئیس دادگستری است به عمل آید در این مورد صاحب جواهر در کتاب دیات (جلد ۴۳ صفحه ۳۸۸) در خصوص خیر اسحاق بن عمار از حضرت صادق علیه السلام که در جواب سؤال «فمن يأخذ دیته؟» فرموده



«الامام، هذالله» می فرماید: و خیر اسحاق یمكن ان یکون المراد منه ان الامام و من نصبه یقبضها و یتصدق بها عنه فانه الولی لمثل ذلك كما اشار الیه المفید» قال «یقبضها امام المسلمین او من نصبه للحکم فی الرعیة و یتصدق عن المیت بها» و ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی هم مؤید این امر است.

\*\*\*\*\*

۷۸/۸/۱۳

شماره نظریه ۷/۲۸۹۰

سؤال:

در مواردی که متهم، به استناد ماده ۱۳ و ماده ۶ قانون صدور چک محکوم می گردد.

آیا هر دو مجازات توأمأ قابل اجراست یا اینکه مجازات اشد می بایستی اجرا شود؟ پاسخ:

مستفاد از ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی این است که اگر در حین رسیدگی و محاکمه متهم محرز باشد که وی مرتکب چند جرم شده است دادگاه می بایست وفق ماده مذکور رفتار نماید و در مورد چکهای بلامحل و وعده دار و تضمینی و غیره نیز با توجه به رأی شماره ۶۰۸ مورخه ۱۳۷۵/۶/۲۷ وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور کلیه چکهای مذکور در یک ردیف شناخته شده و مشابه با هم است، علیهذا دادگاه می بایست یک مجازات برای متهم تعیین نماید و معین کردن مجازاتهای

جداگانه برای هر یک از جرائم ارتكابی مذکور خلاف قانون می باشد ولی اگر متهم بعد از محاکمه و صدور حکم مرتکب جرم جدیدی شده باشد مجازات تعیین شده در مورد جرم جدید با مجازات قبلی می بایست جمع و هر دو مجازات اجراء گردد.

و با توجه به سؤال در صورتی که برای متهم به اتهام ارتكاب بزه صدور چک بلامحل به استناد ماده ۱۳ و ماده ۶ قانون صدور چک به دو مجازات محکوم شده باشد و پرونده برای اجراء به اجرای احکام ارسال گردیده باشد چون رأی مذکور

خلاف رأی لازم‌الاتباع هیأت عمومی دیوان عالی کشور می‌باشد. علیهذا قاضی مجری حکم می‌تواند طبق ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب عمل نماید. اما اگر یکی از جرائم مذکور بعد از حکم اول ارتکاب شده باشد هر دو حکم صحیح و قابل اجراء است.

\*\*\*\*\*

شماره نظریه ۷/۲۸۹۰ ۷۸/۸/۱۳

سؤال:

آیا فروشنده اتومبیل با سند عادی که در قبالت ثمن معامله چک دریافت می‌کند می‌تواند در صورت عدم پرداخت وجه چک در سررسید از طرف خریدار همان اتومبیل مورد معامله را بابت چک (ثمن معامله) توقیف نماید. و چنانچه خریدار اتومبیل را با سند عادی به دیگری منتقل نموده باشد، توقیف اتومبیل مذکور از طرف فروشنده اولی امکان‌پذیر است یا خیر؟

پاسخ:

به محض انجام معامله اتومبیل خواه با سند رسمی یا با سند عادی، خریدار مالک مبیع یعنی اتومبیل و فروشنده صاحب ثمن یعنی چک دریافتی می‌شوند. بنابراین فروشنده در صورت عدم پرداخت وجه چک از طرف خریدار می‌تواند همان اتومبیل مورد معامله را که اکنون ملک خریدار می‌باشد در مقابله وجه چک وفق مقررات قانونی توقیف نماید. نهایتاً چنانچه خریدار اتومبیل آن را با سند عادی به دیگری منتقل نموده باشد چون شخص اخیر مالک اتومبیل محسوب می‌گردد فروشنده اول نمی‌تواند آن را به لحاظ بدهی خریدار اول که اکنون مالک اتومبیل

نیست توقیف نماید.

\*\*\*\*\*

شماره نظریه ۷/۲۸۹۰ ۷۸/۸/۱۳

سؤال:

در مواردی که شاکی تحت عنوان فروش مال غیر طرح دعوی می‌نماید. آیا با تقدیم دادخواست ضرر و زیان از طرف شاکی خصوصی دادگاه می‌تواند حکم به ابطال سند رسمی صادر نماید. یا اینکه می‌بایستی شاکی به دادگاه حقوقی جهت ابطال سند مراجعه نماید؟

پاسخ:

صدور حکم به ابطال سند رسمی از ناحیه دادگاهی که به امر کیفری رسیدگی می‌نماید بدون اینکه طرح دعوی حقوقی علیه کسی که مال غیر منقول مذکور به نام او به ثبت رسیده و دولت و قانون براساس ماده ۲۲ قانون ثبت وی را مالک می‌شناسد فاقد وجهت قانونی است.

\*\*\*\*\*

شماره نظریه ۷/۴۵۳۱ ۷۷/۶/۹

سؤال:

مدیرعامل یک شرکت چندین فقره چک از حسابی که به نام شرکت است بابت خرید کالای خارج از موضوع شرکت صادر می‌کند و قبل از موعد چکها بدون اینکه مدیرعامل جدیدی انتخاب شود شرکت را ترک و چون مالک قسمتی از سهام شرکت بود با سند عادی سهم خود را به شخص دیگری که فعلاً متصدی و اداره کننده شرکت است به فروش می‌رساند. حال الف: دارنده چکها علیه چه کسانی می‌تواند شکایت کند؟

ب: چگونگی وصول چکها و مسئولیت مدنی صادرکننده چکها متصدی

فعلی و شرکت چگونه است؟

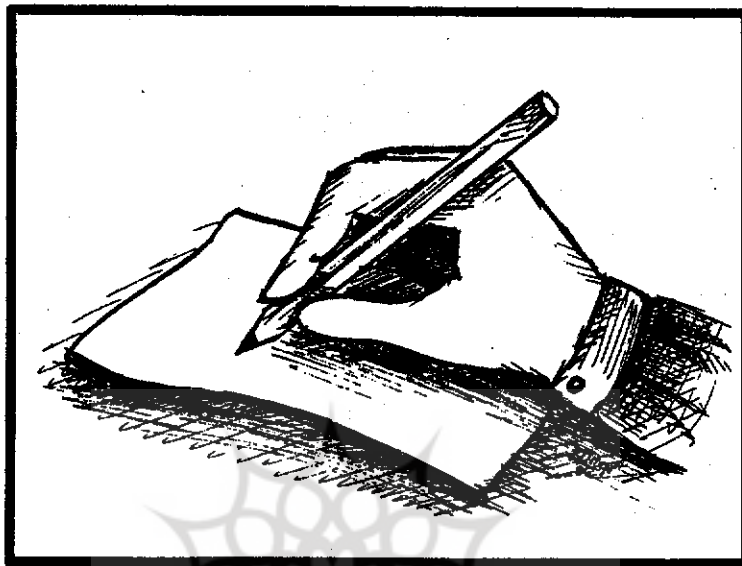
پاسخ:

بند الف: با عنایت به قانون صدور چک مصوب ۵۵ و ماده ۷ از قانون اصلاحی موادی از قانون صدور چک مصوب ۷۲ و اصول کلی حقوقی، صادرکننده چک و امضاءکننده آن در مقابل دارنده چک مسئولیت کیفری خواهد داشت و کسی که امضاء نکرده بدیهی است که مسئولیت کیفری متوجه وی نیست پس چنانچه در موعد مقرر چکهای صادره از طرف مدیرعامل شرکت بلامحل درآمدند وی مسئولیت کیفری خواهد داشت حتی اگر سهام خود را فروخته باشد و سمتی در شرکت نداشته باشد.

بند ب: به استناد ماده ۱۸ قانون صدور چک مصوب ۵۵ در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان براساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود به علاوه امضاءکننده چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت و نیز توجهاً به ماده ۲۵۲ از آیین‌نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی مصوب تیرماه سال ۵۵ در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شده باشد صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و به تقاضای بستگانکار اجرائیه علیه آنها براساس تضامن صادر می‌شود پس

## سؤال:

در مورد ایراد صدمات مدنی، چنانچه مصدوم در جریان رسیدگی در دادگاه و قبل از صدور رأی از ضارب به صورت منجز و قطعی گذشت کند و بعد از اعلام گذشت، مصدوم مدعی شود که بعد از اعلام گذشت و در نتیجه صدمات وارده در قسمتهائی از بدن وی نقص عضو حاصل شده که هنگام اعلام گذشت وجود نداشته است. و پزشک قانونی نیز ادعای مصدوم را تأیید کند. آیا با توجه به وضعیت حاصله مصدوم می‌تواند گذشت خود را مسترد نماید. آیا این عدول از گذشت مسموع هست یا خیر؟



## پاسخ:

هرچند به موجب ماده ۲۳ از قانون مجازات اسلامی عدول از گذشت در جرائم قابل گذشت مسموع نیست لیکن در مورد سنوالموضوع استعمال گذشت شاکی خصوصی درباره ایراد صدمات بدنی بدون عارضه نقص عضو بوده و طبق ماده مذکور عدول از چنین گذشتی مسموع نمی‌تواند باشد ولی اگر بعد از اعلام گذشت شاکی خصوصی احراز شود که شاکی به علت همان صدمات وارده قبلی دچار نقص عضو شده گذشت وی شامل عوارض اخیر نمی‌گردد و اتهام جداگانه‌ای است که باید مورد رسیدگی قرار گیرد و شاکی می‌تواند ضمن عدول از گذشت قبلی درخواست تعقیب متهم را بنماید.

ب - سایر شرکتهای تجاری موضوع قانون تجارت، مؤسسه‌های انتفاعی و غیرانتفاعی و شرکتهای دولتی از شمول قانون الحاق دو تبصره به قانون متمم بودجه سال ۴۷ کل کشور به استفاده وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی از انتخاب

صاحب حساب (شرکت) مسئولیت کیفری ندارد اما مسئولیت مدنی خواهد داشت. متصدی فعلی (کسی که سهام با سند عادی به وی منتقل شده است) علیرغم انتقال سهام به وی چون در صدور چک‌ها نقشی نداشته است، مسئولیت کیفری نخواهد

داشت ولی صاحب حساب (شرکت) مسئولیت مدنی به نحو تضامن دارد.

\*\*\*\*\*

شماره نظریه

۷۷/۶/۹ ۷/۴۵۳۱

## سؤال:

آیا شرکتهای تجاری موضوع قانون تجارت و مؤسسه‌های عمومی انتفاعی و

غیرانتفاعی و شرکتهای دولتی در شهرها، ادارات دولتی در شهرستانها یا بخشها می‌توانند از سهامداران یا کارمندان اداره و شرکت را به عنوان نماینده جهت دفاع از پرونده‌های مطروحه به دادگستری معرفی نمایند؟

## پاسخ:

الف - به استناد بند الف تبصره ۱۸ قانون الحاق دو تبصره به قانون متمم بودجه سال ۴۷ کل کشور مصوب خرداد ۴۸ فقط وزارتخانه‌ها، ادارات دولتی و مؤسسات دولتی وابسته به دولت می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای اقامه دعوی، دفاع و تعقیب دعوی مربوطه از کارمندان رسمی خود با داشتن شرایط مذکور در آن بند استفاده کنند.

و معرفی نماینده قضائی خارج هستند پس نمی‌توانند افرادی را به عنوان نماینده قضائی برای طرح دعاوی به دادگستری معرفی کنند و ناگزیر از انتخاب و معرفی وکیل دادگستری هستند. مدیران عامل و اعضاء هیئت مدیره شرکتهای تجاری باتوجه به اساسنامه و اختیاراتی که داده شده می‌توانند در مقام تقدیم دادخواست یا تعقیب امر کیفری برآیند.

ج: نمایندگان قضائی معرفی شده از سوی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در حدود اختیارات تفویضی دارای اختیار وکیل هستند لیکن اگر مدیر عامل یا اعضاء هیئت مدیره با توجه به اساسنامه و اختیارات قانونی اقامه دعوی کنند دارای اختیارات فرد اصیل هستند.